

## خبرها

### حزب الله

**در انتخابات شوراها فهرست می‌دهد**

ایسنا: سخنگوی حزب الله ایران خبر داد که مهم ترین اولویت کاری تشکیل متبوعش در نیمه اول سال ۸۵ راه اندازی شبکه ماهواره‌ای خبیر است و در این زمینه هیچ مرجعی به جز شورای عالی امنیت ملی را به رسمیت نمی‌شناسد. وی همچنین از انتشار روزنامه حزب‌الله ایران از هفدهم ربیع‌الله به صورت متوالی خبر داد و گفت که خبرگزاری این تشکل نیز ظرف شش ماه اول سال ۸۵ راه اندازی می‌شود.
بیگدلی در ادامه به سکوت سیاسی تشکل متبوعش ظرف ۱۰ سال اخیر اشاره کرد و اظهار داشت: آیت‌الله خرازی دبیرکل حزب‌الله ایران به کمبسته سیاسی، دستور مشارکت در انتخابات شوراها را داده و ما به همین مناسبت، درصدد تهیه فهرستی برای این انتخابات در ۶۵ شهر هستیم.

### موضوع مذاکره با آمریکا

ایلتا: محسن آرمین سخنگوی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با طرح این سؤال که چرا مذاکره با آمریکا در مورد مصالح عراق جایز اما برای تأمین منافع ایران ممنوع است، اظهار داشت: اگر آمریکایی‌ها اهل مذاکره نیستند، چرا در مورد عراق با آنها مذاکره می‌کنید و اگر اهل مذاکره هستند، چرا در مورد مسائل ایران حاضر به مذاکره نیستند؟ آرمین تصریح کرد: حمایت یک کشور باید در پی تأمین منافع و مصالح ملی کشور خود باشد، نه اینکه منافع یک کشور دیگر را بر منافع ملی خود مقدم بدارند.

### جلسه مجمع محققین

**با گروه‌های اصلاح طلب برای خبرگان**

ایسنا: با هدف بررسی چگونگی شرکت در انتخابات مجلس خبرگان دومین نشست مشترک مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم و گروه‌های اصلاح طلب در اردیبهشت‌ماه برگزار می‌شود. محمدعلی ایازی عضو مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم در این خبر از شرکت در انتخابات مجلس خبرگان به عنوان یکی از اولویت‌های تشکل متبوعش در سال جدید نام برد. وی اظهار داشت: جایگاه خبرگان و دستیابی به اتفاق نظر گروه‌های دوم خردادی در زمینه این انتخابات از اموری است که مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم به آن توجه دارند.

### حزب زنان مجوز گرفت

ایسنا: منیره نوبخت عضو هیات موسس حزب زنان جمهوری اسلامی ایران خبر داد که کمسیون‌ماه ۱۰ احزاب به صورت کلی با شکل‌گیری این تشکل موافقت کرده است. وی با بیان اینکه فعالیت حزب متبوعش قبل از مجوز کمسیون‌ماه ۱۰ احزاب آغاز شده بود، ادامه داد: در آینده سخنگویی برای این تشکل جهت ارائه اخبار و فعالیت‌ها معرفی خواهد شد.

### دلی نخست گروه‌های دوم خردادی

ایلتا: علی محمد حاضری دبیر انجمن مدرسین دانشگاه‌ها گفت: دومین نشست گروه‌های اصلاح طلب در راستای ایجاد هماهنگی و انسجام بیشتر بین اصلاح طلبان برای حضور در انتخابات مجلس خبرگان رهبری اردیبهشت‌ماه برگزار می‌شود. وی با بیان اینکه این نشست‌ها برای ایجاد هماهنگی بیشتر بین اصلاح طلبان در انتخابات‌های آتی به‌خصوص انتخابات مجلس خبرگان برگزار می‌شود، ابراز امیدواری کرد که با تدوین یک استراتژی واحد این هماهنگی ایجاد شود.

### زیاکلام: اصولگرایان

**در خبرگان و شوراها پیروز می‌شوند**

ایسنا: صادق زیاکلام استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، با اشاره به برگزاری انتخابات خبرگان و شوراها در سال ۸۵ گفت: به نظر من انتخابات خبرگان و شوراها در آرایش نیروهای سیاسی تغییر عمده‌ای ایجاد نمی‌کند و اصولگرایان و محافظه‌کاران عزم خود را جهت حفظ این دو نهاد جزم کرده‌اند. زیاکلام توضیح داد: نتیجه انتخابات مجلس خبرگان کم‌وبیش با آرایش فعلی خواهد بود و اکثریت کرسی‌های این مجلس به جناح محافظه‌کار یا افرادی که مورد تایید آنها هستند واگذار خواهد شد. لذا ما ترکیب جدیدی را در انتخابات خبرگان شاهد نخواهیم بود. وی به انتخابات شوراها نیز اشاره کرد و گفت: در انتخابات شوراها، شورای نگهبان و نهادهای نظارتی به مانند دیگر انتخابات نمی‌توانند دخالت چندانی کنند و این خود زمینه را برای مشارکت اصلاح طلبیان، نیروهای چپ، مستقل و ملیان - مذهبی فراهم می‌کند. اما اینکه مردم به چه میزان حاضرند در انتخابات شوراها شرکت کنند مسئله قابل بحثی است. در این جلسه مقرر شد کمیته نظری می‌رسد که مردم تمایل زیادی برای شرکت در انتخابات شوراها نداشته باشند. جریان اصولگرا نیز مانند انتخابات مجلس هفتم با توجه به مشارکت کم مردم می‌تواند انتخابات شوراها را به نفع خود برگزار کند. وی بدین ترتیب گفت: معتقدم آرایش شورای شهر آینده نیز چندان تغییری نخواهد کرد و جریان اصولگرا مانند انتخابات مجلس هفتم پیروز این انتخابات خواهد بود.

## برنامه جمعیت وفاداران برای دیدار با مراجع

ایلتا: همایش عمومی جمعیت وفاداران انقلاب اسلامی با محوریت تشریح ابعاد مشارکت مردم در انتخابات مجلس خبرگان رهبری و تبیین ابعاد اصلی ولایت فقیه برگزار می‌شود. محمد عظیمی سخنگوی جمعیت وفاداران انقلاب اسلامی با اشاره به جلسه دوشنبه شب شورای مرکزی جمعیت وفاداران انقلاب اسلامی گفت: در این جلسه مقرر شد کمیته روحانیت جمعیت برنامه‌ریزی‌شده‌ای برای دیدار با مراجع عظام، شخصیت‌های علمی و روحانی و جامعین (جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) تهیه کند تا طبق این تقویم زمانی دیدارها و جلسات برگزار شده و جمع بندی آن به شورای مرکزی اراش شود. وی افزود: بعد از جمع بندی مطالب ملاقات‌ها، همایشی را با حضور شخصیت‌های علمی و سیاسی درخصوص ابعاد مختلف مجلس خبرگان رهبری و تشریح و تبیین جایگاه ولایت فقیه در حکومت اسلامی برگزار خواهیم کرد.

### کارگزاران تا پایان فروردین منتشر می‌شود

ایسنا: هدایت آقایی عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی، از انتشار اولین شماره روزنامه ارگان حزب متبوعش تا آخر فروردین ماه یعنی اتمام مهلت تمدید‌شده از سوی حجت نظارت بر مطبوعات خبر داد. گفتنی است که پیش از این روزنامه ارگان حزب کارگزاران به دلیل منتشر نشدن در مهلت قانونی از هیات نظارت بر مطبوعات درخواست تمدید این فرصت را کرده بود که این فرصت تا پایان فروردین ۸۵ تمدید شد.

**اصلاح طلبان پس از شکست در گفت‌وگو با مصطفی تاج‌زاده**

# گفتمان ما شکست نخورده است

### محمد سرداری

به آن را ندامد در انتخابات شکست خوردند اما ما بارها گفته ایم و اینجا هم عرض می‌کنم که ما بر خلاف مجلس چهارم که در انتخابات شکست خوردیم اعلام کردیم که گفتمان ما قدیمی شده و نیاز به بازسازی دارد و در نتیجه تغییراتی جدی متناسب با شرایط روز دادیم و شرایطی چون تغییرات در جهان دو قطبی و پایان جنگ با عراق را پشت سر می‌گذاشتیم. اما الان به هیچ وجه معتقد نیستیم که گفتمان ما شکست خورده است و باید گفتمان جدیدی را اتخاذ کنیم. به لحاظ استراتژیک هم بدلیل گفتمان اصلاحات را دستور یا سکوت می‌دانیم که به هیچ وجه این دو راه را متناسب برای کشور و زخم‌های قدیمی سیاست در ایران نمی‌دانیم. بنابراین مسیر خود را ادامه

از برگزاری ششمین کنگره سراسری خود بیانه‌ای منتشر کرد که در آن به نقد سیاست سکوت پرداخته بود. در این رابطه با یکی از اعضای فعال شورای مرکزی مشارکت یعنی مصطفی تاج‌زاده به گفت‌وگو نشستیم تا این موضوعات را با وی بررسی کنیم. تاج‌زاده در این گفت‌وگو تغییر موضع مشارکت را در برابر شرایط اخیر نپذیرفت و گفت مشارکت هیچ گاه قصد سکوت در مقابل سیاست‌هایی که با استقلال و حمایت ارضی کشور ارتباط مستقیم داشته باشد نداشته است.
مشروح این گفت‌وگو را بخوانید.

### ■ ■ ■

■ اخیراً بیانه‌ای از سوی حزب مشارکت منتشر شده بود با این محتوا که این حزب قصد دارد سیاست سکوت را که در گذشته درباره شرایط جدید کشور در پیش گرفته بود کنار گذاشته و نقد قدرت را در دستور کار قرار دهد اما پیش از این بحث بر سر این بود که هنوز وقت آن نرسیده که وارد نقد شرایط موجود شویم به نظر شما این تغییر موضع ناشی از چیست؟

موضع مشارکت از ابتدا هیچگاه سکوت نبود. بیانهٔ اخیرى هم که شما به آن اشاره کردید مصوبه کنگره‌ای است که دو ماه و نیم پیش برگزار شد و حرف جدیدی نبود. در طول این مدت مشارکت با انتشار بیانیه‌ها و انتشار خبرنامه داخلی و همچنین اعلام موضع از سوی دبیرکل و اعضای شورای مرکزی در زمینه‌های مختلف موضع‌گیری کرد. چون همانگونه که در چهارمین بیانیه کنگره آمده ما یکی از مشکلات عرصه سیاست در ایران را عدم انتقال تجربیات و گسستی می‌دانیم که میان نسل‌های مختلف کشور به وجود آمده و نتیجه آن لگنت زیاد در سطح و سطح زیر تهرجکی در سطح نخبگان بوده است. مشارکت با انتشار بیانیه‌ها و انتشار خبرنامه داخلی و همچنین اعلام موضع از سوی دبیرکل و اعضای شورای مرکزی در زمینه‌های مختلف موضع‌گیری کرد. چون همانگونه که در چهارمین بیانیه کنگره آمده ما یکی از مشکلات عرصه سیاست در ایران را عدم انتقال تجربیات و گسستی می‌دانیم که میان نسل‌های مختلف کشور به وجود آمده و نتیجه آن لگنت زیاد در سطح و سطح زیر تهرجکی در سطح نخبگان بوده است.

در سطح و سطح زیر تهرجکی در سطح نخبگان بوده است. مشارکت با انتشار بیانیه‌ها و انتشار خبرنامه داخلی و همچنین اعلام موضع از سوی دبیرکل و اعضای شورای مرکزی در زمینه‌های مختلف موضع‌گیری کرد. چون همانگونه که در چهارمین بیانیه کنگره آمده ما یکی از مشکلات عرصه سیاست در ایران را عدم انتقال تجربیات و گسستی می‌دانیم که میان نسل‌های مختلف کشور به وجود آمده و نتیجه آن لگنت زیاد در سطح و سطح زیر تهرجکی در سطح نخبگان بوده است.

در سطح و سطح زیر تهرجکی در سطح نخبگان بوده است.

در سطح و سطح زیر تهرجکی در سطح نخبگان بوده است.

نکته‌ای در اینجا وجود دارد که فکر می‌کنم باعث شده تا اینکه برداشت شود سیاست مشارکت در مقابل شرایط موجود سیاست سکوت بوده است. ما مباحث را به دو قسمت تقسیم کرده‌ایم. قسمت نخست بازمی‌گردد به شعارهای دولت، مثلاً دولت شعار داده است که می‌خواهد نفت را بر سرفره مردم بپاورد. ما معتقدیم که باید به دولت فرصت داده شود تا شعارهای خود را محقق سازد و حداقل زمان را داشته باشد تا بتواند سیاست‌های خویش را اجرا کند و سپس به تحلیل آثار این سیاست بپردازیم که آیا اقتصاد کشور بهبود یافته یا بدتر از شرایط گذشته است. اما در باره اعتراض‌هایی که جامعه را تهدید می‌کند چه در عرصه بین‌المللی و چه در عرصه داخلی طبعاً ما در زمینه‌ها موضوع‌گیری خواهیم کرد. البته در زمینه کارهای ابائاتی دولت که مستقل از زمان می‌تواند مورد نقد واقع شود نظیر لایحه بودجه نیز اقداماتی کرده‌ایم. همچنین گرویده‌ایم تا در این فاصله به اتهامات وارده به خویش نیز پاسخ دهیم. به هر حال معتقدیم که در هیچ دوره‌ای نباید سکوت کنیم زیرا سکوت را راه حل مشکلات جامعه نمی‌دانیم. ما باید به طور مستمر سیاست‌ورزی کنیم.

■ **ولی** بیانیه سال گذشته مشارکت با تردید به فرضیه شما نگریسته است. این بیانیه تأکید دارد در شرایط یکدست شدن حاکمیت امکان سیاست‌ورزی میسر نیست؟

ما معتقدیم که در شرایط یکدست شدن حاکمیت نیز می‌توان سیاست‌ورزی کرد مگر آنکه ما را منع کنند نه اینکه خود ما بگوییم به صورت دواطلبانه سیاست صبر و انتظار را در پیش می‌گیریم تا ببینیم چه اتفاقی خواهد افتاد. کسی که می‌پارزه علنی سیاسی، قانونی و پارلمانارستى را پذیرفته مجاز نیست در مقابل مسائل کشور سکوت کند.

■ **اما** قرار بود اصلاح طلبان پیش از آنکه وارد حوزه نقد قدرت شوند به نقد خود بپردازند. آیا چنین کاری اساساً در حزب مشارکت صورت گرفته است؟

درباره نقد از خود که علی‌القاعده باید امری دائمی باشد کمبته‌ای تشکیل داده‌ایم و در حال جمع بندی نظریات مختلف در این زمینه هستیم چه در تهران و چه در شهرستان‌ها با تبیین ۸ سال دوره خاتمی چه نقاط ضعفی داشته‌ایم.

■ **آیا** این نقد شامل گفتمان اصلاح طلبی نیز می‌شود؟

ما بدیلهای برای نظریه اصلاح طلبی بر ایران نداریم. این گفتمان میچنان جهت‌گیری اصلی ما است و اتفاقاً دیگران نیز تلاش کرده‌اند تا خود را به این گفتمان نزدیک کنند. شعار اصلی ما ایران برای همه ایرانیان بود که تصور نمی‌کنم کسی جرات مخالفت با این شعار را به صورت رسمی داشته باشد. حتی اخیراً شعارهای نزدیک به شعارهای ما در واکنش مطرح شده است نظیر شعار دولت هفتاد میلیون، دولت برای همه و... و شعار ما عدالت، معنویت و آزادی بوده است چون تصور می‌کنیم این مدل در ایران جواب می‌دهد.

■ **شما** می‌فرمایید این گفتمان گفتمانی غالب و مترقی است ولی به هر حال در ایران و در طول هشت سال دولت‌ورزی اصلاح طلبان نتوانست پیاده شود و به تدریج آن را کنار گذاشتند به رغم اینکه ابتدا با حمایت مردم نیز مواجه بود به نظر شما مردم از این گفتمان رویگردان نشدند؟

ببینید شاخص‌های گفتمانی که آقای خاتمی مطرح کرد مثل

جامعه مدنی، گسترش نهادهای حقوق بشر و دموکراسی این‌ها

شعارهایی رو به رشد نه بود در ایران بلکه در منطقه است

ممکن است که اصلاح طلبان به دلایلی که اینجا قصد پرداختن

## سیاست



می‌دهیم و امیدواریم در آینده چه در دولت و چه در جامعه مدنی به پروژه گسترش جامعه دموکراسی شتاب بیشتری دهیم.
■ **پس اشکال کار در کجا بود؟ شما به چه عواملی در انتخابات ریاست جمهوری پاسخید؟**

ما دو کار باید می‌کردیم که نکردیم. کار نخست آن بود که باید شعارهای جذاب‌مان برای جامعه را عملیاتی کنیم. یعنی ما ایران برای همه ایرانیان را باید در همه عرصه‌ها مختلف و به ویژه در دولت یا پشت سر می‌گذاشتیم. اما الان به هیچ وجه این دو راه را متناسب برای کشور و زخم‌های قدیمی سیاست در ایران نمی‌دانیم. بنابراین مسیر خود را ادامه

### ■

## از هیجان زدگی تا افسردگی سیاسی

### پس از اصلاحات در گفت‌وگو با کریم ارغنده‌پور

فرض کتیم، هیچ‌یک از نامزدها از نظر جامعه‌توان به ثمر رساندن این تحول را نداشتند و همین تصویری (image) که مطرح شد که یکی از آنها، بی‌توجهی یا کم‌توجهی به حوزه اجتماعی قدرت و متمرکز شدن در مناسبات داخلی ساختار قدرت بود. جبهه مشارکت نیز مدتی پیش براساس این نقدها اعلام کرد که این حزب «جبهه‌اشکال‌شدن» را در پیش گرفته است. «کریم ارغنده‌پور» عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت در مصاحبه پیش‌رو، این موضوع را تشریح کرده است.
■ **فکر** کنید کنید دیگر زمان آن رسیده است که گذشته اصلاح طلبان را نقد کرد، نقدی شفاف که به تبیین آینده کمک کند؟

بله، زمان آن رسیده است، شاید کمی هم دیر شده باشد. در واقع به از نظر گرفتن همین دیدگاه است که دوستان در حزب مشارکت، اصولی‌را در دستور کار آورند و تبعیین خط‌مشی حزب گنجانده‌اند که ناشی از همین نقد عملکرد گذشته و رویکرد به آینده است. توجه داشته باشید که در دوم خرداد اتفاقی افتاد که بر اثر آن ابائیتی از مطالبات ریز و درشت حزب مطرح شد، هم در میان نخبگان و هم در میان توده مردم، که تحقق بیشتر آنها در گرو راه‌حل‌های صرفاً سیاسی جست‌وجو می‌شد. دولت جدید هم اعلام کرده بود که توسعه سیاسی را در اولویت کاری خود قرار می‌دهد. وضعیت مطبوعات، تشکیلات احزاب و پیروزی سالیسون در مجلس ششم نمونه بارز اولویت توسعه سیاسی بود.

■ **فکر** می‌کنید در تحقق این خواست نخبگان و حتی بخشی از جامعه یعنی توسعه سیاسی دولت آقای خامنه‌ی موفق بود؟

کارهای زیادی انجام شد، اما موانع خستگی نیز در برابر توسعه سیاسی ظهور کرد مخصوصاً در برابر مجلس ششم، اساساً اگر جامعه را یک موجود زنده فرض کنیم تمام علائم بالینی یک انسان را می‌توان برای آن تشریح کرد، جامعه ما مانند یک موجود زنده در ماهه‌ای از دوم خرداد ۷۶ به شدت هیجان‌زده شده بود ولی چون مابه‌ازای آن شور و شغف، واجد عناصر تاثیربخش عینی وجود نداشت، جامعه پس از مدتی

عقب‌رفته به سوی کفسردگی کامل رفت و احساسی متأسفانه‌ای در پی‌سازی است که از ویژگی افزایش بازخورد است یعنی فرد افسرده هم بر روی خود اثر تشدیدکننده دارد و هم بر بقیه افراد پی‌اس‌روشنش. در فضای این الیته‌ها وجود نکته فوق‌مهمچنان تأکید دارم که در کشور ما توسعه سیاسی مقدمه توسعه در سایر شئون است، چون عرصه حکمرانی، تعیین‌کننده‌ترین عرصه است ولی ورود به عرصه سیاست باید با تضمین‌ها و نقاط اتکای اجتماعی قوی‌تر تمام باشد.
■ **می‌توانید قدری مصداقی صحبت کنید و بفرمایید که به طور مشخص منظور شما از رویکرد اجتماعی و تفاوت آن با رویکرد سیاسی چیست؟**

در انتخابات اخیر در تشریح علل ناکامی‌ها گفته شد که یکی از ضعف‌های اصلاح طلبان و پیشرو عدم ترجمه مناسب شعارهای آنها برای فهم رآحت توطئه جامعه بود. البته این سخن ضمن درستی، به معنای آن نیست که شعارها در قالب‌های غامض و پیچیده ارائه شد. شعارهای آقای خاتمی در دوم خرداد بی‌شک غامض‌تر و ناآشناتر از شعارهای دیگر مکتب بودند. ولی مسئله، نحوه ادراک جامعه از شعارهاست. در دوم خرداد مردم در وای آن شعارها چیزی را می‌دید که در انتخابات اخیر آن را ندید. اصلاح طلبان می‌خواستند به جامعه این پیام را منتقل کنند که : «دموکراسی دوی در همه مشکلات جامعه ما است.» تأکید من این است که چنین انتقال پیامی محال است مگر آنکه این پیام در قالب بسته‌های عملی قابل لمس به جامعه ارائه شود. تشکیلات و تکشیر NGOها در زمینه‌های اجتماعی یکی از بهترین نمونه‌های کارآمد است. مثلاً احزاب سبز که در دنیا در زمینه محیط‌زیست کار می‌کنند و هدفشان بهبود شرایط طبیعی زیست‌محیطی است این مسئله با آن که در دنیا سابقه طولانی ندارد اما کاملاً موثر واقع شده است. همین احزاب سبز در دورهه قبل توانسته‌اند در زمینه‌های سیاسی موفقیت‌های بزرگی به دست آورند و احزاب قدیمی را به چالش بکشند. دلیل مسئله هم این است که اساساً امروز در دنیا رویکردهای جدید

اجتماعی یکی از زمینه‌سازترین عرصه‌ها برای ورود به سیاست است. همین‌طور است مسئله مستند دروانی، با اشتغال، نحوه راهیابی به دانشگاه، نحوه زندگی (حوزه‌خصوصی)، مسکن، حقوق اقشار و اقوام و اقلیت‌ها و امثال آنها. اینها نکات بسیار تأثیر گذاری است. افراد سیاسی ما باید در کارهای‌عام‌المنفعه و خیریه (charities) پیشقدم باشند، شعله‌ها و دفاتر حزب در شهرستان‌ها تنها محلی برای برگزاری میتینگ‌ها و سخنرانی‌های سیاسی نباشند بلکه اگر مکانی برای حل مشکلات ملموس و معیشتی مردم مه باشد، به خوبی می‌توانند در جامعه نقش خود را ایفا کنند و در لایه‌های زیرین جامعه جریان‌ساز باشند. در این صورت این تاثیرگذاری‌ها با ثبات، عمیق، پایدار و زمینه‌ساز تحولات مطلوب خواهد بود.



کتیم تا افرادی که خود را نیز خودی تصور می‌کنند از این شرایط خارج شوند. ما باید راهکار شعار تبدیل معاند به مخالف و مخالف به موافق را نشان می‌دادیم و این امکان را فراهم می‌کردیم که کشور ما از خشونت فاصله بگیرد و تعداد بیشتری بتوانند در سرنوشت خویش تاثیرگذار باشند.

مشکل دوم ما هم این بود که نسبت میان دموکراسی و حقوق بشر را در زندگی روزمره مردم کم توضیح دادیم. در عرصه سیاسی خوب توضیح دادیم، اما به خوبی نگفتیم که امنیت کشور در گرو حفظ نسبت میان دموکراسی و حقوق بشر است. رابطه این موضوع با اقتصاد و عدالت اجتماعی و رابطه این دو را با ناهنجاری‌های اجتماعی کم توضیح دادیم.
■ **شما** صحبت از دموکراسی و حقوق بشر کردید، هنگامی که دوره تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری جریان داشت نامزد اصلاح طلبان پیشرو پیشنهاد تاسیس یک جبهه را تحت عنوان جبهه دموکراسی و حقوق بشر مطرح کرد که جنابعلی‌نیز یکی از مبتکرین آن بودید اما اکنون پس از شکست اصلاح طلبان در انتخابات نامی از این جبهه بر سر زبان‌ها نیست این جبهه اکنون در چه وضعیتی قرار دارد؟

خوشبختانه جلسات این جبهه به صورت منظم و هر دو هفته یک‌بار تشکیل می‌شود و استقبال خوبی نیز از آن شده است، منتها جمع بندی دوستان در جلسات از جبهه این است که تا زمانی که مباحث کاملاً پخته نشده و همه ابعاد قضیه دیده نشده‌است به سرعت تشکیل آن را اعلام نکنیم تا انتظاراتی ایجاد نکنیم که پاسخگوی آن نباشیم و خدای نکرده در شروع آن دچار اشتغال، اختلاف و... شویم.
■ **آیا** تاکنون مشخص شده است که چه گروه‌هایی می‌توانند در درون این جبهه قرار گیرند؟

دوستانی که در این جلسات شرکت می‌کنند بنا را براین گذاشته‌اند که در این باره صحبت نکنند تا این فضا ایجاد نشود. حاضرین در جلسات قصد دارند تمایلات خود را در مصاحبه‌ها بیان دهند و برای جبهه تبیین مسیر کنند. وقتی منشور جبهه منتشر شود پاسخ خیلی از سئوالات داده خواهد شد.

■ **شما** گفتید که مشارکت قصد دارد گفتمان اصلاحات را ادامه دهد اما اخیراً حجاربان اخیراً پرسشی راهبردی را در عنوان «چه باید کرد» مطرح کردند. آیا طرح این سؤال نشان نمی‌دهد که مشارکت و جریان اصلاحات هنوز در سردرگمی قرار دارد؟

من یک سنوالم می‌کنم. فرض کنید در یک کشور دموکراتیک، حزبی شکست می‌خورد این حزب چه کار خواهد کرد. طبیعی است اگر در اقلیت قرار گرفته باشد به ترمیم و بازسازی سیاست‌های گذشته خویش می‌پردازد و یا اینکه به دنبال فرصتی برای ائتلاف با سایر احزاب دیگر که در قدرت قرار دارند می‌رود. اما شیوه جدیدی را برای نخستین‌بار در کشور ایجاد کرده‌ایم که آن ابائیتی سخن گفتن است. یعنی دیگر شب انتخابات برنامه ارائه نکنیم بلکه برای اولین بار برنامه‌ای ارائه کنیم و در طول سال آن را تبلیغ و تبیین کنیم و وقتی سرآمدیم بدانیم می‌خواهیم چه بکنیم. در گذشته چنین بود که احزاب و گروه‌ها اول بر سر کار می‌آمدند و سپس کارازندگی، حزبی شکست می‌خورد این حزب چه کار خواهد فکر می‌کنم گام بزرگی برداشته‌ایم. چه باید کرد را نیز از این منظر مطرح کرده‌ایم که معتقدیم روشنفکران و نخبگان جامعه که دل به اصلاحات و دموکراسی در کشور بسته‌اند باید به این نکته برسند که در شرایط موجود سه راه بیشتر وجود ندارد با ادامه اصلاحات یا انقلاب و یا مهاجرت که هر یک ویژگی خود را دارد. ما در این زمینه فراخوانی داده‌ایم و امیدواریم همکاری روزنامه شرق بتوانیم سال آینده آن را برگزار کنیم. ما پرسش‌هایی را برای جامعه مطرح کرده‌ایم که چرا در طول عمر صدامی که از عمر مشروطیت در کشور ما می‌گذرهنوز مناسبات دموکراتیک در کشور ما حاکم نشده و قدرت شفاف و پاسخگو نیست.

■ **آقای** تاج‌زاده شورای سیاسی در جبهه مشارکت از چه جایگاهی برخوردار است؟

شورای سیاسی پس از کنگره و شورای مرکزی سومین رکن حزب به شمار می‌رود. این شورا منتخب شورای مرکزی است و تدوین برنامه‌ها و مواضع حزب بر عهده این شورا است و به لحاظ اهمیت جایگاه مهمی در حزب دارد.

■ **اخیراً** شهید شده جبهه مشارکت افرادی را وارده این شورا کرده که برخی در درون خود شما معتقدند این افراد عملکردی به اصلاحات و آرمان‌های مشارکت نداشته‌اند. گفته می‌شود این افراد که بعضاً از مدیران دولت آقای خاتمی نیز هستند حتی حاضر به تأیید فعالیت‌ای حزب شما در زمان مدیریت خود نیز نبوده‌اند به نظر شما این شیوه عضوگیری معایر اصول حزبی نیست؟

حزب مشارکت یک حزب تازه تاسیس و گسترده است و طیف‌های مختلفی در درون آن جای می‌گیرند. به ویژه آنکه ما حزب خود را حزبی دو می‌دانیم نه تصور می‌کنیم اگر احزاب می‌خواهند در ایران موفق شوند نه می‌توانند اپوزیسیون صرف باشند و نه صرفاً جلب قدرت شوند. این دو مدل در ایران پاسخگو نیست. چون این مشی را داریم طبیعی است که جامعه مدنی،

■ **اما** برخی در بنده شما می‌گویند این افراد هیچ ارتباطی با مشارکت نداشته‌اند و البته استدلال خاص خود را دارند شما فکر نمی‌کنید این سیاست موجب انفعال در مشارکت شود؟

مشارکت اگر نگوئیم دموکراتیک‌ترین حزب ایران است می‌توان گفت یکی از دموکراتیک‌ترین احزاب در ایران است. این حزب هرساله کنگره برگزار کرده و همین بنه در آن حضور داشته است و شورای مرکزی را انتخاب کرده است. بنابراین هر کسی که انتقادی به شورای مرکزی دارد می‌تواند در کنگره شرکت و طبق ضوابط اساسنامه شورای مرکزی را تغییر دهد و خواسته خود را محقق سازد. به هر حال تحت هر شرایطی گلايه‌هایی از سوی تندروان وجود خواهد داشت اما مهم این است که برآیند عملکرد بتواند انسجام حزب را حفظ کند کاملاًکنک تاکنون چنین رفتار شده است و با اینکه ما در انتخابات شکست خوردیم اما بحثی از انفعال و جدایی در میان نبوده است. من اصل این گلایه را می‌پذیرم و ممکن است با برخی از آنها موافق یا مخالف باشم اما معتقدم بهترین شیوه طی کردن شیوه‌های دموکراتیک در درون حزب است.

## نگاه

**پرسش‌هایی در باب جبهه دموکراسی خواهی**

## اتلاف سیاسی یا جنبشی اجتماعی

### سجاد نوروزی

مصطفی معین کاندیدای حزب مشارکت و سازمان مجاهدین، در هنگامه مبارزات انتخاباتی محوری ترین شعار خود را تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر قرار داد. اکنون و با طی شدن چند ماه از انتخاباتی که منجر به پیروزی اصولگرایان شد و همچنین با فروکش کردن هیجانات دوران انتخابات، رویکرد تئوریک به این شعار می‌تواند به سنجه‌ای برای ارزیابی فرآیند تکوین آن و تدقیق در چسبگی ملزوماتی عملی این جبهه بدل شود. در این میان پرسش‌های بنیادی‌ای وجود دارد که حول چند محور مشخص مطرح می‌شود.

۱- ترکیب نیروهای سیاسی این تشکل چگونه است؟
۲- مرامنامه این جبهه چگونه تدوین شده‌است؟
۳- روند پراتیک جبهه دموکراسی خواهی به چه نحوی سامان خواهد یافت؟
۴- جبهه دموکراسی خواهی، حزبی جدید محسوب می‌شود یا جنبشی فراگیر برای تحصیل روند‌های دموکراتیک؟

بی‌گمان در وهله اول این امر قابل پیش‌بینی است که شاکنده‌های اصلی این تشکل از جریان‌های حامی معین در انتخابات ریاست‌جمهوری خواهد بود؛ البته مشارکت، نهضت آزادی و نیروهای ملی- حزبه شهروندانی که مسائل سیاسی را پیگیری می‌کنند به یاد می‌آورند که سازمان مجاهدین اگرچه از اصلی‌ترین حامیان معین در انتخابات بود، اما به نحوی سؤال‌برانگیز از «اصولی‌ترین» شعار معین در انتخابات فاصله گرفت و عدم حضور خود را در فرآیند تکوین این جبهه اعلام داشت. موضوعی که هنوز دلیل آن به طور کامل و واضح و آشکار مشخص نشده است. با توجه به این مسائل، ذکر این مسئله ضرورت می‌یابد که آیا متفق شدن این جریان‌های سیاسی در یک جبهه می‌تواند به این جبهه، صبهٔ یک جنبش فراگیر را بدهد یا آنکه این امر صرفاً ائتلافی‌است برای پیگیری اهداف سیاسی این تشکل‌ها؟

به نظر می‌رسد که مورد دوم صحیح‌تر باشد. چه، تنها متفق شدن این نیرو‌ها حول یک محور نمی‌تواند باعث به وجود آمدن یک حرکت اجتماعی فراگیر شود، جبهه دموکراسی اگر تشکیل شود، صرفاً ائتلاف جریان‌های شاسنامه‌دار سیاسی است برای پیگیری اهداف سیاسی. این امر می‌تواند بزرگ‌ترین نقطه ضعف این جبهه باشد؛ چراکه «دموکراسی و حقوق بشرخواهی» مفهومی است که بی‌گمان از طریق بسط و نشو و نما‌ی یک «جنبش اجتماعی- سیاسی» استحصال خواهد شد و با فعالیت مستمر و پیگیر به بار خواهد نشست. در این جنبش‌ها که غالباً صورتی سالمات‌مانند دارند، شهروندان حاملان اصلی و پیش‌برنده جنبش هستند نه فعالان سیاسی. در این سنخ جنبش‌ها فعالان سیاسی نماینده‌های شهروندان برای انتقال نظرات آنها به هیأت حاکمه‌اند. فی‌الواقع شهروندان خطوط اصلی و مسیر حرکتی جنبش را ترسیم کرده و این رهگذار به کنش فعالان سیاسی و «مشروعیت سیاسی» را اعطا می‌کنند.

اما در پروسه شکل‌گیری این جبهه چنین امری دیده نمی‌شود. اینکه چند فعال سیاسی گروه‌بند هستند و با تشکیل یک «ائتلاف» سیاسی، در انتظار تغییر گرفتن یک «جنبش» اجتماعی و سیاسی باشند، جهت‌گیری‌ای است که از ابتدا محکوم به شکست است. نحوه تدوین مرامنامه این جبهه نیز در دل‌العهاده حائز اهمیت است، فی‌الواقع تضمینی‌رای اینکه مرامنامه‌ای برای استحصال دموکراسی و حقوق بشر که مفاهیمی «عام» محسوب می‌شوند، مبذل به یک «مانیفست خاص» یعنی نظریات تعدادی فعال سیاسی نشود، وجود ندارد. اصلی‌ترین دلیل بر این مدعا، پنهان ماندن فرآیند تدوین مرامنامه این جبهه است. در نظر افکار عمومی است، حال فرض را بر این می‌گیریم که جبهه دموکراسی خواهی با طی‌شدن تمامی مراحل گزینش اعضا و تدوین مرامنامه تشکیل شده است. بنابراین این سؤال پیش می‌آید عملکرد سیاسی جبهه چگونه خواهد بود؟ در همین معنا که آیا جبهه دموکراسی خواهی به عنوان مجموعه‌ای شامل تعدادی کتشگر سیاسی به صورت سازمانی و حزبی پراتیک سیاسی خواهد داشت یا خیر؟

■ **نتیجه‌گیری**

۱- جبهه دموکراسی خواهی در صورت تشکیل، راه‌سختی را در به دست آوردن یک پایگاه اجتماعی- سیاسی منسجم در پیش دارد. «دموکراسی و حقوق بشر» در جامعه ایران هنوز مفهومی روشنفکرانه به شمار می‌آید و در متن زندگی روزمره و حافظه اجتماعی Social memory ایرانیان ناهدیه نشده است. اصلی‌ترین گواه این امر، آرای دکتر معین در انتخابات گذشته است. از سوی دیگر از آنجا که قرار است جبهه دموکراسی را احزاب سیاسی تشکیل دهند، این خطر وجود دارد که «اراده معطوف به قدرت» در روند حرکتی این جبهه سودمندی‌کند و این جبهه بدل به سکوی برای کسب قدرت خواهد شد. امری که باید به‌خاطر تشکیل دهنه، این خطر وجود بسط فرهنگ دموکراتیسم در تناقض و شرایط را برای نیروی تحول‌خواه سخت‌تر خواهد کرد.

۲- جبهه دموکراسی خواهی باید چه نیازی را از جامعه محسوس‌تر کند. تجربه نشان داده است که تسهیل‌کننده مسیر دموکراتیزاسیون در ایران، هیچ‌گاه احزاب و تشکل‌ها نبوده‌اند. روند دموکراتیزاسیون در ایران، گاه به علت خلصات‌های برین سرنه و اجتماعی یا تحت‌تاثیر اشخاص (مصداق خاتمی) بوده است و یا با حرکت‌های مقطعی و هیجانی ناشی از یک نوع هوس اجتماعی دچار فراز و فرود بوده است. این آن نشان‌دهنده آن است که فرایند تجدید و نوسازی سیاسی در ایران، کمتر از یک عقبه فرهنگی برخوردار بوده است، به نحوی که یک جنبش فراگیر با کنش جمعی سیاسی- اجتماعی مستمر هدفی را پیگیری کند. شاید قیام ۷۷ در تاریخ ایران یک استثنا محسوب شود که جنبه به مفهومی واقعی کلمه «اجتماعی» بود که البته باز هم این استثنا از فرجه استثنائی آن نشأت می‌گرفت. بنابراین با توجه به ویژگی‌های فعلی جامعه ایران، اینکه جبهه دموکراسی بتواند طرفی بیندد و دموکراسی را به ارمغان بیاورد تمرزید است.

۳- فرهنگ‌سازی حلقه مفقوده حرکت‌های سیاسی در ایران است. فعالین سیاسی در ایران توجه ندارند که مفاهیمی را که بر زبان می‌آورند غالباً برای بخش بزرگی از جامعه نامفهوم است. شاید ریشه این مشکل از آنجا است که در ایران جبهه روشنفکران و سیاستمداران عوض شده است! روشنفکران سیاستمدارانه سخن می‌گویند و سیاستیون روشنفکرانه‌ای خطابه سر می‌دهند. به هر روی، جبهه دموکراسی خواهی از سوی یک فرهنگ اجتماعی پشتیبانی نمی‌شود و به نظر می‌رسد ارجح‌ترین گام در جهت پی‌ریزی دموکراسی در ایران، نه ایجاد یک تشکل جدید، بلکه ارائه آشناسازی اجتماعی و کار فرهنگی در متن جامعه است. بدین‌سان پروسه منطقی و پرفراز و فرود دموکراسی خواهی در ایران فرایند دموکراتیک خواهد یافت.